

آب و تابستان
Ancient America
Cattary J. Long
Lucan Books, 1998

آمریکای باستان

پیشگفتار: ماهیت تاریخ آمریکای باستان ۱

۱. شکارچیان و حوث-چیجان ۱۵

۲. کشاورزی و تأثیر آن ۲۳

۳. تمدن در آمریکای مرکزی و نواحی آند آغاز می‌شود ۲۴

۴. اینکا ۶۹

۵. مایاما ۸۵

۶. آزتکها ۱۰۵

۷. تماس و برخورد ۱۲۱

۸. یادداشت‌ها ۱۳۷

برای مطالعه بیشتر ۱۴۱

منابع مورد استفاده ۱۴۳

نمایه ۱۴۹

کاترین ج. لانگ



ترجمه فرید جواهر کلام

۹۷۸ - ۹۷۲ - ۷۱۱ - ۲۸۲ - ۶ - ۲۸۲
ISBN 978-964-489-3



فهرست

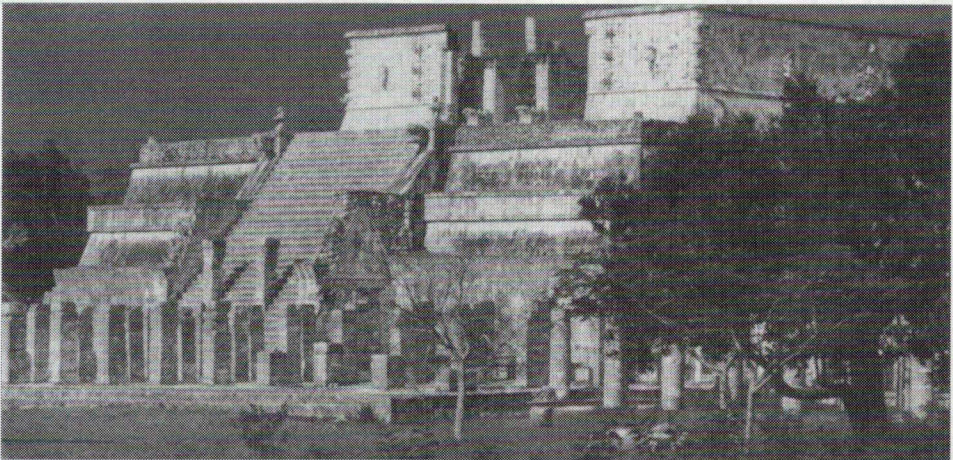
- پیشگفتار: ماهیت تاریخ آمریکای باستان ۹
۱. شکارچیان و خوشه چینان ۱۵
۲. کشاورزی و تأثیر آن ۳۳
۳. تمدن در آمریکای مرکزی و نواحی آند آغاز می شود ۴۹
۴. اینکا ۶۹
۵. مایاها ۸۵
۶. آزتکها ۱۰۵
۷. تماس و پیروزی ۱۲۱
- یادداشتها ۱۳۷
- برای مطالعه بیشتر ۱۴۱
- منابع مورد استفاده ۱۴۳
- نمایه ۱۴۹

پیشگفتار

ماهیت تاریخ آمریکای باستان

تاریخ آمریکا پیش از رسیدن اروپاییان به آنجا تقریباً ناگفته مانده است - با این همه هر سال بخش‌های تازه‌ای از آن آشکار می‌گردد.

نخستین انسان‌هایی که به قاره آمریکا رسیدند، بخشی از موج مردمانی بودند که به آرامی از آفریقا گذر کرده به قاره‌های دیگر رفته بودند. پاره‌ای از این مردمان حدود یکصد هزار سال پیش ابتدا به آسیا و اروپا مهاجرت کردند. زمانی، گروه‌های اندکی از همین مردمان به اقیانوس آرام رسیدند، و حتی از اقیانوس نیز گذشتند و خود را به استرالیا رساندند. سرانجام چهارده هزار سال پیش یا اندکی زودتر گروه‌های انسانی از آسیا گذر کردند و خود را به دو قاره آمریکا رساندند.



فرهنگ‌های آمریکای باستان از اقوام کوچ‌نشین شکارچی - خوشه‌چین تا تمدن‌هایی پیشرفته مانند قوم مایا رادر برمی‌گرفت، قومی که شهرهایی شگفت‌انگیز مانند چیچن ایتسا (عکس بالا) رادر مکزیک بنا کرد.

افسانه آفرینش

تاریخ سنتی بومی شامل افسانه‌هایی در باره آفرینش است، مانند این افسانه قوم اوکاناگان که ساکن شمال غرب آمریکای شمالی بودند. این متن را الکلارک بازگویی کرده و ریچارد اردوس آن را پس از جرح و تعدیل در کتاب سخنان جهان: داستان‌ها و هنر بومیان آمریکا به چاپ رسانده است:

زمین زمانی موجودی انسانی بود: «سالخورده‌مرد» او را به شکل زنی درآورد و به وی چنین گفت: «تو مادر تمام مردمان خواهی بود.»

از آن پس، زمین کماکان زنده است ولی تغییراتی کرده است. خاک، گوشت بدن اوست، صخره‌ها استخوان‌هایش، باد نفس او، درختان و گیاهان موهای او. این زن [زمین] به آراستگی می‌زید، و ما بر روی وی زندگی می‌کنیم....

«سالخورده‌مرد» پس از آن که آن زن را به شکل زمین درآورد، پاره‌ای از گوشت بدن وی را برگرفت و پس از مالش آن را به صورت گلوله‌هایی درآورد، همان‌گونه که آدمیان با گل چنین می‌کنند. او [سالخورده‌مرد] نخستین گروه این گلوله‌ها را به صورت موجودات اولیه جهان درآورد.... سالخورده‌مرد، انسان‌ها را از آخرین گلوله‌های گلی که از زمین برگرفته بود، آفرید. وی گل‌ها را غلتاند و غلتاند و سپس آن‌ها را به شکل سرخپوست‌ها درآورد، آن‌گاه بر آن‌ها روح بدمید و زنده‌شان کرد.... سالخورده‌مرد آدمیان و حیوانات را به صورت نر و ماده خلق کرد تا بتوانند کثیر و بارور شوند. بدین ترتیب تمام موجودات زنده از زمین منشأ گرفتند. هنگامی که ما به اطراف خود بنگریم بخش‌هایی از مادر خود را در هر گوشه می‌بینیم.

این گروه‌های انسانی، مانند گروه‌های دیگر آن دوران، هنر و مهارت بقا و زنده ماندن را داشتند، و نیز صاحب ابزارهای سنگی، استخوانی و چوبی بودند. به همین ترتیب دارای فرهنگ پراهمیت در کنار هم و با هم زیستن بودند که در نتیجه برایشان جا و مکانی در جهان فراهم می‌آورد، ولی هنوز به کشاورزی دست نیافته و با راه‌های پر پیچ و خمی که زندگی امروز تمدن می‌نامد، آشنا نشده بودند. در طی هزاران سال پیش از کشف آمریکا به دست کاشفان اروپایی در سال ۱۴۹۲، مردمانی که امروز به بومی آمریکایی یا سرخپوست معروفند، در جدایی و انزوای مطلق از قسمت‌های دیگر جهان تکامل یافتند.

جدایی و انزوای بومیان آمریکا بدان معنا نیست که آنان همگی یک‌شکل و یکسان ماندند. اجتماعاتی متنوع و گونه‌گون در میان آنان پدیدار شد. گروه‌هایی از آنان به شیوه خود و با استعدادهای خاص خویش تکامل یافتند، گروه‌هایی نیز نابود گشته از میان رفتند. سه

گونه سازمان فرهنگی و اجتماعی اساسی در میان آن‌ها یافت می‌شد: گروه شکارچی - خوشه‌چین، گروه کشاورز روستایی و تمدن‌های پیچیده و پیشرفته. تمامی این اجتماعات در دو قاره آمریکا تکامل یافتند، ولی این تکامل همیشه به یک اندازه نبود. مثلاً در ناحیه‌ای که امروز به لوئیزیانا معروف است، گروه‌های بیابانگرد شکارچی - خوشه‌چین ساختمان‌های بزرگی بنا کردند که به سان بناهای قوم اینکا چشمگیر بودند. ساکنان شهرهای بزرگی، مانند مایاهای وراکروز، سرانجام مراکز پیشرفته شهری را ترک گفتند و به روستانشینی و کشاورزی روی آوردند. هنگامی که اروپاییان به این سرزمین‌ها رسیدند، بومیان را مشاهده کردند که به شکل‌های متنوعی زندگی می‌کنند، با این همه غالباً به یکدیگر نزدیک بودند. مثلاً مردمان ثروتمند و مرفه سواحل شمال غربی آمریکای شمالی، در خانه‌های چوبی آراسته و تزئین شده می‌زیستند، مراسم اجتماعی باشکوهی داشتند و لباس‌های فاخری دربر می‌کردند. با تمام این احوال همسایگان مجاور آنان که با ایشان داد و ستد می‌کردند همان گروه‌های شکارچی - خوشه‌چین بودند که شباهت بسیاری با نیاکان اولیه خویش داشتند. اینان تن‌پوش و مایملک اندکی داشتند چون مجبور بودند برای خوراک در بیابان و صحرا پرتاب شوند.

مردمان و اقوام گوناگون دو قاره آمریکا، هر یک تاریخ مخصوص به خود را داشتند، دقیقاً مانند اروپاییان. هر گروهی افسانه آفرینش مخصوص به خود را داشت، افسانه‌ای که مردمان

آن گروه را به همان بخش از زمین خودشان مربوط می‌ساخت.

سالخوردگان در تمام جوامع بومی حافظ خاطرات گذشته بودند. آنان با

داستان‌ها، ترانه‌ها، اشعار و مراسم در زنده نگه داشتن سنت‌ها و

وقایعی می‌کوشیدند که بیش از همه مهم و معنی‌دار بودند. اشیاء نیز

معرف گذشته بودند. مثلاً یک چپق ممکن بود نیای آنان را که سازنده

چپق بود، به یاد آورد. دود کردن و کشیدن تنباکو در آن چپق نوعی

احترام به روح نیاکان به شمار می‌رفت.



یک کنده‌کاری از ناحیه لاونتا در مکزیک که پادشاهی را در زر و زیور و لباس شاهانه کامل نشان می‌دهد.